

تعامل اقتصاد سبز و حقوق بین الملل تجارت در حمایت از محیط زیست

مهسا مرادلی ۱

فصلنامه پژوهش حقوق بین الملل معاصر، سال دوم، شماره ۱۱، بهار ۱۳۹۷

چکیده

ماهیت به هم پیوسته موضوعات تجارت، محیط زیست و توسعه در یک رویکرد جدیدی تحت عنوان «اقتصاد سبز»، منعکس شده است. مفهوم اقتصاد سبز که برای نخستین بار در کنفرانس ریو+۲۰ در سال ۲۰۱۲ به طور رسمی مورد تصویب جامعه بین المللی قرار گرفت، چارچوبی برای مرتبط ساختن ارکان اقتصادی و زیست محیطی توسعه پایدار تلقی می شود. برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد، اقتصاد سبز را به عنوان یک ماهیتی تعریف می کند که در حالیکه به طور قابل توجهی خطرات و کمبودهای زیست محیطی را کاهش می دهد، منجر به بهبود رفاه انسان و عدالت اجتماعی نیز می شود. بنابراین، این مفهوم تفکیک ناپذیری سه رکن اصلی توسعه پایدار را برسمیت می شناسد، توسعه اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی - با هدف پرورش این شرایط سه گانه که در آن تجارت یک گزینه اجتناب ناپذیر است. تعامل میان تجارت و انتقال به سمت اقتصاد سبز پیچیده است می تواند به عنوان یک تعامل و رابطه دو طرفه در نظر گرفته شود. تجارت میزان پتانسیل لازم برای تسهیل گزار و انتقال به سمت اقتصاد سبز را دارا می باشد و با حمایت از مبادله کالاها و خدمات سازگار با محیط زیست، افزایش بهره وری منابع از طریق ایجاد فرصتهای اقتصادی و اشتغال و کمک به ریشه کن ساختن فقر این کار را انجام می دهد و اقتصاد سبز نیز پتانسیل لازم جهت ایجاد فرصتهای تجاری پایدار را دارا می باشد. در این پژوهش سعی بر بررسی تدابیر ناشی از تحقق اقتصاد سبز بر حقوق بین الملل تجارت دارد و به این مسئله نیز اشاره می کند که برای تحقق مفهوم اقتصاد سبز در دنیای کنونی به الزامات ناشی از موافقتنامه ها و کنوانسیونهای سازمان جهانی تجارت می بایست توجه داشته باشیم چرا که آنها خود راهگشای تحقق و ظهور هرچه سریعتر اقتصادی سبز و پایدار می باشند.

واژگان کلیدی:

اقتصاد سبز، تجارت، توسعه پایدار، محیط زیست، کنفرانس ریو+۲۰، ریشه کن ساختن فقر، تعامل، حقوق بین الملل.

بیان مسئله:

یکی از مسائل و موضوعات مهمی که در دهه های اخیر به عنوان دغدغه و نگرانی جامعه بین المللی در مواجهه شدن با جهانی شدن اقتصاد و تجارت مطرح گردیده است و دولتها و سازمانهای بین المللی و دیگر بازیگران عرصه روابط بین المللی را وادار به واکنش نموده است، آثار زیانبار و مخربی است که از فعالیت های اقتصادی می تواند به محیط زیست وارد شود و منجر به بحران هایی شود که به صورت همزمان و به سرعت پیشرفت کرده است. در سند نهایی کنفرانس ریو + ۲۰ ایده و موضوع اقتصاد سبز در مواجهه با خطراتی که محیط زیست را تهدید می کند، مطرح می گردد. در عرصه بین المللی یک اصل کلیدی حائز اهمیت است، که مفهوم اقتصاد سبز جایگزین مفهوم توسعه پایدار نمی باشد و امروزه این نگرش که دستیابی به پایداری کامل بر ایجاد اقتصادی محیط زیست گرا بستگی دارد، به شدت رواج یافته است.

اهمیت موضوع تحقیق و انگیزه انتخاب آن :

حق بر داشتن محیط زیست سالم یکی از حقوق به رسمیت شناخته شده افراد بشری است. با توجه به اصل اول اعلامیه استکهلم «انسان از حقوقی بنیادین برای داشتن آزادی، برابری و شرایط مناسب زندگی در محیط زیستی که به او اجازه ی زندگی با حیثیت و سعادت مندانه را بدهد برخوردار است؛ او رسماً مسئولیت حفاظت و بهبود محیط زیست برای نسل های آینده و حاضر را بر عهده دارد». حق بر محیط زیست که حقیقت متعلق به همه ابناء بشر هست و همه تابعان حقوق بین الملل مسئولیت مشترک برای تحقق آن دارند ممکن است در تعارض و تزاخم با حق دیگری که همانا حق بر فعالیت های اقتصادی و حق بر توسعه اقتصادی می باشد، قرار گیرد. نظر به اینکه ماهیت به هم پیوسته تجارت، محیط زیست و توسعه در یک رویکرد جدیدی تحت عنوان اقتصاد سبز منعکس شده است و با حمایت از تجارت کالاها و خدمات سازگار با محیط زیست می توان به افزایش بهره وری منابع و ریشه کن ساختن فقر دست یافت، تحلیل ارتباط متقابل تجارت و دستیابی به اقتصادی پایا و فراگیر در سطح بین المللی برای کمک به جامعه جهانی و حفاظت از محیط زیست در برابر بحران های متعدد کنونی انگیزه انتخاب این موضوع می باشد.

هدفهای تحقیق:

- تبیین تاثیر حقوق بین الملل تجارت بر دستیابی به محیط زیست سالم
- بررسی نقش تجارت کالاها و خدمات زیست محیطی بر روند تحقق اقتصاد سبز
- بررسی وجود یا عدم وجود رابطه متقابل میان تجارت و اقتصاد سبز
- تحلیل الزامات حقوق بین المللی ناشی از تحقق اقتصاد سبز

سؤالات و فرضیه های تحقیق:

سؤالات اصلی:

- آیا حقوق بین الملل تجاری نقشی در دستیابی به توسعه پایدار ایفا می نمایند؟
- آیا تسهیل تجارت در سطح بین المللی به معنای تسهیل تحقق اقتصاد سبز است؟
- آیا مفهوم اقتصاد سبز الزامات و تعهدات حقوقی در سطح بین المللی ایجاد نموده است؟

سوالات فرعی:

- توافقات تجاری چه تاثیری در روند ریشه کن ساختن فقر جهانی دارند؟
- آیا اولویت با توسعه اقتصادی دولت‌ها می‌باشد یا حفظ محیط زیست؟

سازماندهی تحقیق:

این تحقیق در دو فصل تدوین گردیده است و هر فصل شامل سه گفتار می‌باشد. فصل نخست با عنوان "تجارت و دستیابی به اقتصاد سبز" با در بر داشتن سه گفتار تحت عناوین «سازمان جهانی تجارت»، «کنفرانس بالی و تسهیل تجارت»، «تسهیل تجارت کالاها و خدمات زیست محیطی کالاها» و فصل دوم نیز با «عنوان کشاورزی پایدار و دسترسی به بازارهای بین المللی»، با در برداشتن دو گفتار تحت عناوین «کشاورزی پایدار و سبز» و «الزامات ناشی از اقتصاد سبز برای تولید و تجارت محصولات کشاورزی پایدارتر» به بررسی نقش تجارت در دستیابی به اقتصاد سبز و یکی از محورهای اصلی اقتصاد سبز یعنی کشاورزی که نقش مهمی در دستیابی به اقتصاد کم کربن و ریشه کن ساختن فقر دارند، می‌پردازد. و الزامات حقوقی که در زمینه تجارت محصولات کشاورزی می‌بایست رعایت گردد را مورد بررسی قرار می‌دهد.

فصل اول: تجارت و دستیابی به اقتصاد سبز

تجارت بین‌الملل یک جزء کلیدی و مهمی از توسعه پایدار و اقتصاد سبز می‌باشد. این موضوع هم در کنفرانس ریو و هم ژوهانسبورگ به رسمیت شناخته شده است. تجارت کمک می‌کند تا به یک تخصیص کارآمدتر از منابع کم‌یاب دست یابیم و آن را برای کشورها ساده تر می‌سازد، تا هم کشورهای فقیر و هم کشورهای غنی بتوانند به خدمات، محصولات و فناوریهای زیست محیطی دست یابند. کشورها می‌توانند از ابزارها و طرح‌های توسعه در نظام تجاری چند جانبه سازمان جهانی تجارت استفاده کنند در این فصل قصد بر این است تا به بررسی نقش تجارت و تجارت کالاها و خدمات زیست محیطی در دستیابی به یک اقتصاد سبز و فراگیر بپردازیم.

۱-۱- سازمان جهانی تجارت ۲

«انتقال موفقیت آمیز به سمت یک اقتصاد سبز فراگیر به صورت اتوماتیک و خود به خود محقق نمی‌شود. چهارچوب موثر برای حمایت مداوم از توسعه اقتصاد سبز نیاز به اصلاحاتی در سطوح ملی و بین المللی خواهد داشت. همانطور که سیاستها و اقداماتی ملی برای تحریک اقتصاد سبز مورد نیاز هستند، در سطح بین المللی نیز ساختارهای سازمانی مورد نیاز می‌باشد تا بتوان اطمینان حاصل نمود که کشورهای در حال توسعه از مزایای ناشی از درگیر شدن در یک حرکت و تحول جهانی بهره مند می‌گردند.» (مرادلی، ۱۳۹۴، ص ۴۶)

«سازمان جهانی تجارت یک چارچوب حمایتی قدرتمندی را برای حمایت از توسعه پایدار و مفهوم اقتصاد سبز ارائه می‌دهد. محیط زیست را از طریق اهداف، مؤسسات و نظارت حمایتی، مکانیزم اجرایی مجموعه قوانین و قوانین رو به رشد در رابطه با حوزه محیط زیست خود توانمند می‌سازد و تقویت می‌کند.» (مرادلی، پیشین، ص ۷۱)

«قوانین سازمان تجارت جهانی بدنال دستیابی به یک تعادل بسیار مهم است. از یک طرف آنها از حقوق اعضای سازمان، جهت حمایت از اقداماتی برای پیشبرد اهداف مشروع مانند حفاظت از محیط زیست دفاع می‌کنند و از سوی دیگر، آنها تضمین می‌کنند که اقدامات بسیاری به صورت خودسرانه اعمال نمی‌شود و به شکل حمایت از تولیدات داخلی محقق نمی‌گردد. توسعه پایدار یکی از اهداف دور مذاکرات دوحه، آخرین دور مذاکرات چند جانبه برای دستیابی به تجارت جهانی بوده است. مذاکرات توانسته به حذف تجارت ناسازگار با محیط زیست، یعنی تجارتي که برای محیط زیست مضر می‌باشد کمک نماید و دسترسی بیشتر به کالاها و خدمات زیست محیطی، در قیمت ارزان‌تر را ترویج کند(همان).

. به نظر دبیرخانه سازمان جهانی تجارت، کنفرانس ریو+۲۰ می‌بایست تأکید می‌کرد بر تعهد به :

- یک سیستم چند جانبه تجاری مبتنی بر قوانین باز و منصفانه را که هم قابل پیش‌بینی و هم عادلانه می‌باشد و برای همه کشورها در دستیابی به توسعه پایدار و اقتصاد سبز سودمند می‌باشند.
- تضمین نماید که اقدامات با اثر تجاری برای اهداف زیست محیطی، یک وسیله تبعیض خودسرانه و غیرقابل توجیه و یا محدودیت در تجارت بین‌المللی تلقی نمی‌شود.
- از مکانیزم‌های سازمان جهانی تجارت برای نظارت و مراقبت از اقدامات ملی با اثرات تجاری، از جمله اقدامات سبز، به منظور افزایش درک و گفتگو و جلوگیری از خطر ابتلا به تنش‌های تجاری استفاده شود.
- یک سیستم تجارت بین‌المللی را که نیازهای کشورهای در حال توسعه را مورد محاسبه قرار می‌دهد، ترویج کند. از جمله از طریق تضمین اینکه طرح‌های تجاری ظرفیت‌سازی، به کشورهای در حال توسعه در گرفتن سود حاصل از تجارت در انتقال به سمت یک اقتصاد سبز کمک می‌کند.
- از پایان موفقیت‌آمیز نشست دوحه به عنوان یک سهم چشمگیر در جهت چشم‌انداز توسعه پایدار حمایت کند. البته این نکته نیز قابل ذکر است که موافقتنامه‌های سازمان جهانی تجارت و الزامات ناشی از این توافقات به طور غیر مستقیم بر روند پیشرفت و دستیابی به اقتصاد سبز مؤثر هستند. و برخی از این توافقات شامل استثنائاتی است که امکان اجرای اقدامات اقتصاد سبز را برای اعضای سازمان در زمانیکه آنها یکسری اهداف مشروعی را دنبال می‌کنند، ایجاد می‌نماید. در ادامه به طور خلاصه و مختصر به این موافقتنامه‌ها اشاره می‌کنیم:

موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) ماده ۲۰:

گات موافقتنامه اصلی مربوط به تجارت کالا می‌باشد. ماده ۲۰ گات در مورد استثنائات عمومی، یک تعداد از نمونه‌هایی که در آن اقدامات تجاری اعضا ممکن است از قوانین گات معاف شوند، مشخص شده است که در غیر این صورت می‌بایست قوانین و اصول گات اعمال شود. این ماده در میان سایر موارد در جستجوی این است که تضمین شود که اقدامات اقتصاد سبز به صورت خودسرانه اعمال نمی‌شود. و به عنوان یک وسیله حمایتی استفاده نمی‌گردد.

توافق بر موانع فنی تجارت (تی بی تی) ۴ و توافقنامه در مورد کاربرد تدابیر بهداشتی و بهداشت گیاهی (اس پی اس) : ۵

قوانین مانند توافقنامه تی بی تی، خرید و فروش همراه با مقررات فنی و استانداردهای تولید، و توافقنامه اس پی اس خرید و فروش همراه با ایمنی مواد غذایی، انسان و حیوان زمینه را برای اعضای سازمان جهانی تجارت فراهم می‌کند، برای اینکه اقداماتی نظارتی و قانونی برای حفاظت از محیط زیست و پیشبرد یک اقتصاد سبز را مورد استفاده قرار دهند، در حالیکه در همان زمان یکسری قواعدی را نیز جهت اطمینان یافتن از اینکه یک چنین اقداماتی محدودیتهای غیر ضروری در تجارت بین الملل محسوب نمی‌شود، تحمیل می‌کند.

توافق در مورد یارانه‌ها و اقدامات مقابله‌ای (اس سی ام) : ۶

توافقنامه اس سی ام بدنال این است که مانع از این شود که اعضا یارانه‌هایی را ارائه دهند که تجارت بین‌المللی را دچار تغییر کند. برخی از این قواعد و اصول پایه‌ای مورد احترام واقع شده است، این توافقنامه اعضا را با یک فضای سیاسی در میان سایر مسائل رها کرده است برای اینکه از استقرار و رواج فناوریهای سبز حمایت نماید.

توافق بر جنبه‌های تجاری مرتبط با حقوق مالکیت معنوی (تریپس):

موافقتنامه تریپس چارچوبی برای استفاده از سیستم مالکیت معنوی جهت گسترش دسترسی و انتشار فناوریهای سبز میباشد، یک فضای سیاسی را برای ترویج منافع عمومی در بخشهای مهم و حیاتی برای توسعه اقتصادی - اجتماعی و تکنولوژیکی فراهم می‌نماید و همچنین انگیزه‌ها و محرکهای خاصی برای انتقال فناوری و محرومیت از فناوریهای ناسازگار و مخرب محیط زیست از طریق حفاظت از مالکیت معنوی تلقی می‌شود.

توافقنامه در مورد خرید و فروش دولت (جی پی ای) :

این توافقنامه فقط در مورد اعضای سازمان جهانی تجارت که آن را تصویب کرده‌اند، اعمال می‌شود. هدف آن باز کردن بازارها به سوی رقابتهای بین‌المللی است که براساس اصل شفافیت و غیر تبعیض آمیز بودن، می‌باشد. براساس این توافقنامه، طرفین و گرداننده آنها ممکن است مشخصات فنی را با هدف ترویج خرید و فروش یا تجارت سبز، اتخاذ و یا درخواست نمایند.

۱-۲ - تسهیل تجارت بین المللی در روند تحقق اقتصادسبز

کنفرانس بالی (وزیران سازمان جهانی تجارت) در سال ۲۰۱۳ برگزار گردید، و در میان سایر مسائل و موضوعات، یک توافقنامه قانونی الزام‌آور، جهت «تسهیل تجارت» ایجاد گردید. این توافقنامه بدنال کمک برای رشد اقتصادی و کاهش فقر، از طریق کاهش هزینه‌های تجاری و ناکارآمدی و افزایش رقابت و صادرات، و در نتیجه افزایش درآمد و شغل بود.

۴ - Agreement on Technical Barriers to Trade (TBT)

۵ - Agreement on the Application of Sanitary and Phytosanitary measures (SPS)

۶ - Agreement on subsidies and Countervailing measures (SCM)

۷ - Trade Facilitation Agreement (TFA)

تسهیل تجارت به این معنا بود که به کالاهای معامله شده این امکان داده شود تا در میان مرزها به آسانی مبادله شوند. سازمان تجارت جهانی آن را به عنوان «ساده‌سازی و هماهنگ‌سازی روش‌های تجارت بین‌المللی تعریف می‌کند که از طریق روش‌های تجاری عملی می‌شود.» «فعالیتها، شیوه‌ها و تشریفات از جمله در جمع‌آوری، ارائه، برقراری ارتباط و پردازش داده‌هایی که برای انتقال و مبادله کالاها در تجارت بین‌المللی مورد نیاز می‌باشد. (مرادلی، ۱۳۹۶، ص ۱۹۲)

تا پیش از نتیجه‌گیری تی‌اف‌ای، تسهیل تجارت در موافقتنامه گات گنجانده شده بود، ماده ۵ (آزادی ترانزیت)، ماده ۷ (هزینه‌ها و تشریفات و مرتبط با واردات و صادرات)، ماده ۱۰ (انتشار و مدیریت قوانین و مقررات تجاری). در سال ۲۰۰۴ اعضای سازمان جهانی تجارت، به طور رسمی مذاکراتی را جهت توضیح و بررسی و رسمی کردن اصولی که در پس این مواد نهفته بود، به عنوان بخشی از نشست توسعه دوحه، راه‌اندازی کردند. علاوه بر این در سال ۲۰۰۴، دستور در مورد تسهیل تجارت، شامل مذاکراتی در مورد «معامله خاص و متفاوت» برای کشورهای در حال توسعه، با در نظر گرفتن نیاز به کمک‌های فنی و ظرفیت‌سازی بود. (UNEP, 2014, p136)

«موافقتنامه تسهیل تجارت از دو بخش اصلی تشکیل می‌شود:

- الزامات اساسی برای تسهیل تجارت
- مقررات اس دی تی برای کمک‌های فنی جهت کمک به کشورهای در حال توسعه برای اجرای آن تعهدات و الزامات. تعهدات و الزامات شامل موارد زیر می‌باشد:
- اطلاع‌رسانی به موقع و شفافیت در مورد الزامات حقوقی عرفی
- محدودیت در هزینه‌ها و شارژها برای تحویل کالاها و خدمات در مرز
- ساده‌سازی تشریفات مرزی از طریق تنها یک راه

تأثیر توافقنامه تسهیل تجارت در انتقال به اقتصاد سبزتر نامشخص است. پیامدهای مثبت هم‌چون پیامدهای منفی، پس از اجرای توافقنامه پیش‌بینی می‌شود. به اندازه‌ای که این توافقنامه (تی اف ای) منجر به تجارت بیشتر می‌شود، باعث تحمیل فشار و آثار بیشتری بر روی محیط زیست نیز می‌گردد، در شرایطی که انتشار گازهای گلخانه‌ای ناشی از تولید و حمل و نقل افزایش می‌یابد و شاهد مصرف بیشتر منابع طبیعی همراه با خطراتی برای تأمین آب، زمین‌های حاصلخیز و تنوع زیستی طبیعی می‌باشیم و در قسمت پیامدهای مثبت، تی اف ای فرصتهایی را برای انتقال به سمت اقتصاد سبز ارائه می‌دهد. با کاهش هزینه‌ها و افزایش بهره‌وری می‌توان زباله‌ها و آثار منفی که بر محیط زیست به جا می‌ماند را کاهش داد. و گامی در جهت تحقق اقتصاد سبز برداشت. (Ibid, p137)

علاوه بر این، تی اف ای ممکن است تجارت بیشتر در زمینه کالاها، خدمات و فناوری زیست محیطی را نیز مجاز نماید. به طور خاص، تجارت در این کالاها و خدمات و فناوریها، در کشورهای در حال توسعه باید راحت‌تر باشد، تا برای مثال منجر به استفاده بهتر فناوریهای انرژیهای تجدیدپذیر شود. در ترکیب با کاهش موانع تجاری دیگر، اجرای تی اف ای ممکن است به خوبی باعث یک ترقی چشمگیر در دستیابی به تجارت سبز و پایدار شود.

تجارت پایدار یا سبز، نقش کلیدی را در رابطه میان تجارت بین‌المللی و انتقال به سمت یک اقتصاد سبز بازی می‌کند. این نوع تجارت به طور گسترده‌ای به تجارتی اشاره می‌کند که منابع طبیعی را تهی نمی‌سازد و به محیط زیست

آسیبی وارد نمی کند و موجب بر هم خوردن و تغییر شرایط و امنیت اجتماعی نمی شود، بلکه رشد اقتصادی را ترویج می دهد. به طور کلی، تجارت پایدار را می توان با عناصر زیر همراه کرد: (UNEP, 2013, P19)

پیامدهای مثبت اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی ناشی از تبادل بین المللی کالاها و خدمات، تولید ارزش های اقتصادی و کاهش فقر و نابرابری، کاهش اثرات زیست محیطی ناشی از فعالیتهای اقتصادی مرتبط با تجارت و بازسازی منابع طبیعی.

«در نتیجه، تسهیل تجارت در سطح بین المللی هم می تواند به تحقق اقتصاد سبز کمک نماید و هم اینکه خود مشکلاتی را برای محیط زیست و منابع طبیعی جهان ایجاد نماید. اما اگر سعی شود که این گسترش و تسهیل فعالیتهای تجاری در جهت دستیابی یک تجارت پایدار باشد و این مبادلات تجاری در زمینه کالاها و خدمات زیست محیطی توسعه یابد، می تواند خود محرک و عاملی برای دسترسی سریع تر به یک اقتصاد کم کربن و فراگیری باشد که جهان و محیط زیست جهانی در انتظار تحقق آن می باشد. و الزامات موجود در توافقنامه تسهیل تجارت به طور غیرمستقیم می تواند، الزامات حقوقی را برای دستیابی به اقتصاد سبز و نوین ایجاد نماید.» (مرادلی، ۱۳۹۴، ص ۸۰)

۳-۱- تجارت کالاها و خدمات دوستدار محیط زیست:

«کالاها و خدمات محیط زیستی» نقش مهمی را در تغییر و انتقال به سمت اقتصاد سبز ایفا می نمایند. در واقع چنین کالاها و خدماتی می توانند هر تعداد از حوزه ها را که بخواهند تحت پوشش قرار دهند، از جمله کنترل آلودگی هوا، انرژی تجدیدپذیر، مدیریت آب و مواد زائد، نظارت بر محیط زیست و ارزیابی و مشاوره زیست محیطی، خدمات پاکسازی، فناوری پاک کننده، جذب و ذخیره سازی کربن. (ITC, 2014, P3)

«مذاکرات در مورد آزادسازی تجارت در زمینه کالاها و فناوریهای زیست محیطی بخشی از نشست دوحه سازمان جهانی تجارت می باشد که هدف از بند ۳۱ (۳) اعلامیه وزرای دوحه، ایجاد یک وضعیت ۳ گانه برنده (برنده - برنده - برنده) برای تجارت، محیط زیست و توسعه است، که البته از طریق کاهش و یا حذف موانع تعرفه ای و غیرتعرفه ای کالاها و خدمات زیست محیطی این کار صورت می گیرد.» (WTO, 2001, Doha ministerial Declaration)

«این موضوع به ظاهر از نقطه نظر محیط زیستی خوب به نظر می رسد یعنی اینکه هر چه کالاها و فناوریهای محیط زیستی آسانتر تجارت شوند برای محیط زیست جهانی بهتر خواهند بود.» (حیبی و سلیم زاده، ۱۳۸۷ و ص ۱۶۱)

«با این حال این دستور نه کالاها و فناوریهای محیط زیستی را تعریف می کند و نه سرعت و عمق آزادسازی تجارت کالاها و فناوریهای محیط زیستی را بیان می دارد.» اما همانطور که مذاکره کنندگان درک کرده اند تعریف کالاهای محیط زیستی چالش آفرین است. چند نمونه از کالاهای محیط زیستی عبارتند از: (همان)

- کالاهای مورد استفاده در تمیز و پاک کردن محیط زیست مثل تجهیزات مربوط به جلوگیری از نشت روغن و نفت، جلوگیری از خسارات محیط زیستی در مراحل تولیدی صنعتی مثل کنترل آلودگی هوا، مدیریت ضایعات و حفظ و ذخیره انرژی یا تجهیزات مربوط به حفاظت محیط زیست.

- فناوریها و تولیدات دوستدار محیط زیست از قبیل اتومبیل‌های برقی و توربین‌های بادی و فناوری مربوط به سوخت تمیز زغال‌سنگ.
 - کالاهایی که به روش دوستدار محیط زیست تولید و ساخته شده‌اند مثل تولیدات ارگانیک و کاغذهای بازیافتی.
- «اهمیت تسهیل تجارت کالاها و خدمات زیست محیطی در تعدادی از توافقنامه‌های بین‌المللی مانند سند نهایی ریو+۲۰ تحت عنوان «آینده‌ای که ما می‌خواهیم» به رسمیت شناخته شده است. که در این سند نهایی می‌گویند: «ما تأکید می‌نماییم که تجارت بین‌المللی یک موتور محرک برای رشد و توسعه اقتصادی پایدار می‌باشد و همچنین بر نقش حیاتی که یک سیستم تجاری چندجانبه و عادلانه و قانون محور، و همچنین آزادسازی تجارت در تحریک رشد و توسعه اقتصادی در سراسر جهان می‌تواند بازی کند، تأکید می‌کند.» در نتیجه تجارت در سرعت بخشیدن به انتشار و جذب کالاها و خدمات زیست محیطی، نقش بسیار حیاتی دارد، و می‌تواند دسترسی به کالاها و خدمات زیست محیطی مقرون به صرفه و مناسب را برای فعال کردن یک روند سریع‌تر و کم‌هزینه‌تر به سمت اقتصاد سبز سهولت بخشد، در حالیکه در همین حین مشاغل و فرصتهای شغلی جدیدی را نیز ایجاد می‌کند.» (UNCSD, 2012, Rio+20, Par281)
- مسلماً، مهم‌ترین و بنیادی‌ترین موافقت‌نامه بین‌المللی در مورد تجارت کالاهای زیست محیطی تا به امروز، اعلامیه ولادی وستک آپک ۲۰۱۲ بوده است که در مورد یک فهرست از ۵۴ کالای زیست محیطی توافق کردند. این فهرست شامل به عنوان مثال: ماشین‌آلات برای تولید گرما و انرژی براساس سوخت‌های تجدیدپذیر، کنترل آلودگی هوای ناشی از فعالیتهای صنعتی و توربین‌های گاز برای تولید انرژی الکتریکی از گاز ناشی از بازیافت زباله و ... می‌باشند. البته تا اعلامیه وزرای سازمان جهانی تجارت در دوحه در سال ۲۰۰۱، به صراحت مقررات کاهش یا حذف موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای برای خدمات و کالاهای زیست محیطی را مورد هدف قرار داده بودند، البته بدون تعیین اینکه کدام کالاها و خدمات زیست محیطی می‌بایست تحت این ترمینولوژی قرار بگیرند.
- «آزادسازی تجارت در خدمات زیست محیطی اگر به خوبی مدیریت شود، می‌تواند منافع قابل توجهی برای بخش خصوصی و همچنین عموم مردم به همراه داشته باشد، البته از طریق ایجاد فرصتهایی از جمله افزایش بازار و بهبود سلامت و پایداری زیست محیطی به ویژه در کشورهای در حال توسعه این اتفاق صورت می‌گیرد. سرمایه‌گذاری و تخصص از سوی شرکتهای خارجی می‌تواند شغل و مهارت ایجاد کند و انتقال تکنولوژی را تسهیل بخشد. شرکتهای داخلی نیز، در بخش‌هایی مانند مهندسی، ساخت و ساز و گردشگری، از دانش حاصل از رشد تجارت در زمینه خدمات زیست محیطی می‌توانند بهره‌مند شوند.» (UNEP, 2013, P38) لازم به ذکر است که پتانسیل قابل توجهی در کشورهای در حال توسعه برای رشد تجارت در کالاهای زیست محیطی یافت می‌شود. بسیاری از آنها در حال حاضر از طریق ایجاد چارچوبهای قانونی حمایتی، به درک این فرصتها برای سرمایه‌گذاری در زیر ساختهای زیست محیطی و حمایت از این روند مشغول شده‌اند. این روند، همواره با افزایش آگاهیهای زیست محیطی بین‌المللی و سرمایه‌گذاری در زمینه تحقیق و توسعه، فرصتهای زیادی را برای تجارت کالاها و خدمات زیست محیطی ایجاد می‌کند. در واقع اقتصادهای در حال ظهور به بازیگران مهمی در تولید و تجارت فناوریهای پاک مختلف تبدیل شده‌اند و این بدلیل افزایش سرمایه‌گذاری قابل توجه در زمینه تحقیق و توسعه می‌باشد.

با توجه به اینکه یک کشور در چه مرحله‌ای از توسعه قرار دارد یا با چه فشارهای محیطی مواجه می‌باشد، محصولات مختلف زیست محیطی ممکن است از سطوح مختلف اهمیت برخوردار شوند. بنابراین، کشورهای توسعه یافته، بهره‌وری انرژی، تجدیدپذیری انرژی و کاهش انتشار کربن را در اولویت قرار می‌دهند، در حالیکه کشورهای در حال توسعه و خصوصاً کشورهای کمتر توسعه یافته، سرمایه‌گذاری در مورد مدیریت مواد زائد و فاضلاب را در اولویت خود قرار می‌دهند.

«در حالیکه بسیاری از مذاکراتی که در مورد آزادسازی تجارت می‌باشد بر روی کالاهای زیست محیطی متمرکز شده، اما بخش خدمات نیز تا حدودی تحت‌الشعاع قرار گرفته‌اند. به عنوان مثال، اعلامیه ولادی وستک آپک خدمات زیست محیطی را شامل نمی‌شود و تعهدات را به کالاها و محصولات محدود می‌کند، برخلاف همکاری و ارتباط نزدیک میان تجارت زیست محیطی و خدمات زیست محیطی که در واقعیت یکی به نظر می‌رسد. به موجب حالت‌های مختلف تجارت کالاها و خدمات و پیچیدگی در شناسایی موانع تجارت خدمات زیست محیطی، جدایی واضح و آشکارتر این دو بخش در مذاکرات بین‌المللی که با بی‌توجهی به خدمات زیست محیطی همراه می‌باشد، به وقوع پیوست. « (مرادلی، ۱۳۹۴، ص ۸۶)

طبقه‌بندی خدمات زیست محیطی توسط سازمان جهانی تجارت، در طول مذاکرات در اروگوئه در سال ۱۹۹۱ صورت گرفت، با توجه به توسعه سریع بخش کالاها و خدمات زیست محیطی که از آن پس رخ داده، بسیاری ابراز نگرانی کردند که طبقه‌بندی بیش از اندازه با دقت تعریف شده، اما خوشبختانه تاکنون هیچ توافقی در مورد یک نسخه تجدیدنظر شده، ایجاد نشده است.

«خدمات زیست محیطی می‌توانند به صورت خدمات زیست محیطی زیر ساخت یا غیر زیرساخت دسته‌بندی شوند. خدمات زیست محیطی زیرساخت، شامل جمع‌آوری و دفع مواد زائد و خدماتی است که به طور معمول نیاز به سرمایه‌گذاری قابل توجهی دارند مانند ساخت و ساز و تعمیر و نگهداری و این خدمات معمولاً به عنوان کالاهای عمومی مشخصی هستند که اغلب توسط سازمان‌های دولتی مدیریت یا تنظیم می‌شوند. و خدمات زیست محیطی غیر زیر ساخت شامل پیشگیری و اصلاح آلودگی، به عنوان یک پاسخ و راه حل برای مشکلات زیست محیطی هستند که در اقتصادهای صنعتی مدرن به طور طبیعی به وجود آمده‌اند. برخلاف دسته اول، خدمات غیر زیر ساخت به تطابق با مقررات دولتی در مورد آلودگی یا تخریب محیط زیست متمرکز می‌شوند. بازار برای خدمات غیر زیر ساخت حالت آزاد و رقابتی دارد.» (UNEP, 2013, P.361)

«جذب کالاها و خدمات زیست محیطی و نوآوری در آنها، وابسته به انگیزه ایست که بخش خصوصی برای به کارگیری فناوریها جهت تنظیم فرایندهای تولید و برای عرضه‌کنندگان فناوری و خدمات مربوطه دارند. طبق اطلاعات به دست آمده، رشد بازارهای خدمات و محصولات زیست محیطی به شدت تحت تأثیر مقررات زیست محیطی هستند. با وجود اینکه نیاز به کالاها و خدمات زیست محیطی، اغلب کاملاً روشن و واضح است، براساس چالش‌های زیست محیطی که در سطح ملی و بین‌المللی با آن مواجه هستیم، میان نیاز و تقاضا و سود بالقوه برای خدمات و کالاهای زیست محیطی در کشورهای در حال توسعه خلاء وجود دارد و این مسئله تا حد زیادی به خاطر فقدان مقررات زیست محیطی و یا عدم اجرای آنها می‌باشد.» (ITC, 2014, P12)

«یکی از راه‌های بارزی که سیاست‌های تجاری در سبز شدن اقتصاد مشارکت می‌کند از طریق کاهش موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای در مورد کالاهایی همچون توربین‌های بادی و لامپ‌های جابجایی کارآمد و خدماتی مانند مهندسی محیط زیست می‌باشد. و اینکه کالاها و خدمات زیست محیطی، مزایای زیست محیطی ملموسی را به واردکنندگان بویژه در کشورهای

در حال توسعه که دسترسی به انرژی‌های تجدیدپذیر می‌تواند کلید پرداختن به فقر باشد ارائه می‌دهد. در نتیجه تجارت آزادانه کالاها و خدمات زیست محیطی می‌تواند راهی برای تحقق اقتصاد سبز در کشورهای در حال توسعه تلقی شود.» (مرادلی، ۱۳۹۴، ص ۸۹)

فصل دوم: کشاورزی پایدار و دسترسی به بازارهای بین‌المللی در تجارت بین‌المللی

کشاورزی پایدار یک هدف کلیدی سند نهایی ریو+۲۰ «آینده‌ای که ما می‌خواهیم»، نقش مهمی در تشویق برای حرکت و تغییر به سمت یک اقتصاد سبزتر را دارد. پاراگراف ۱۱۱ بیان می‌دارد: «ما مجدداً تأکید می‌کنیم به ضرورت افزایش، ارتقاء و حمایت از کشاورزی پایدارتر، از جمله محصولات کشاورزی، دام، جنگلداری، شیلات و آبی‌پروری که امنیت غذایی را بهبود می‌بخشد و از لحاظ اقتصادی قابل دوام می‌باشد و در عین حال زمین، آب، گیاه، منابع ژنتیکی حیوانات، تنوع زیستی و اکوسیستم‌ها را حفظ می‌کند و میزان انعطاف‌پذیری را نسبت به تغییرات آب و هوایی و بلایای طبیعی افزایش می‌دهد.

تجارت بین‌المللی می‌تواند انتقال به سمت اقتصاد سبز را با کمک به ایجاد و تقویت بازارهای جهانی برای کشاورزی پایدار و بهبود امنیت غذایی تسهیل بخشد.

۱-۲- کشاورزی پایدار و سبز:

نیل به توسعه مستلزم پشت سر گذاشتن فرایندی چند بعدی است که نتیجه آن بهبود مستمر و گسترده در کلیه شاخص‌های حیات بشری و کاهش فقر و بیکاری می‌باشد. بی‌تردید در این میان بخش کشاورزی به دلیل نقش آن در توسعه و رشد اقتصادی کشور واجد اهمیت فوق‌العاده‌ای است. در عین حال این بخش آمیختگی و پیوند تنگاتنگی با محیط زیست دارد. امروزه بهره‌برداری مسئولانه از منابع و رعایت ملاحظات زیست محیطی سرلوحه فعالیت‌ها و اقدامات دولتها قرار گرفته است و علت این امر را باید در تعهد دولت‌ها به تأمین امنیت غذایی در جوامع خود جستجو نمود. در حقیقت این مهم از حوزه یک تعهد اخلاقی فراتر رفته و به عنوان یک هنجار و قاعده عمومی به مبنای حقوقی تعهدات دولت‌ها در مقابل اتباع خویش و نیز در مقابل سایر اعضای جامعه بین‌المللی مبدل گشته است.

«بخش کشاورزی به عنوان یک بخش کلیدی و مهم در حرکت و تغییر جوامع به سمت اقتصادهای سبزتر تلقی می‌شود. از یک طرف، تولید محصولات کشاورزی در سطح جهانی نسبت به ۴۰ سال گذشته، دو برابر شده است و جهان در حال حاضر مواد غذایی کافی برای تغذیه ۶ میلیارد نفر تولید می‌کند؛ اگر چه توزیع مواد غذایی یکسان نیست. علاوه بر این، برای بسیاری از کشورها تولید محصولات کشاورزی هم برای استفاده داخلی و هم صادرات، منبع مهمی از رشد اقتصادی و معیشت هستند. حدود ۲/۶ میلیارد نفر از مردم امرار معاششان وابسته به کشاورزی است. اکثریت کسانی که مشغول به فعالیت‌های کشاورزی هستند اما دارای زمین‌های کشاورزی کوچک هستند، در مناطق روستایی زندگی می‌کنند.» (UNEP, 2011, P38)

«از سوی دیگر، بخش کشاورزی منبع بسیاری از اثرات زیست محیطی و اجتماعی منفی می‌باشد. همانطور که در اعلامیه اقتصاد سبز اشاره شده است، شیوه‌های ناپایدار در حال حاضر شامل وابستگی شدید در استفاده از مواد شیمیایی در تولید محصولات کشاورزی است، مانند کودها و آفت‌کش‌ها، روش‌های ناکارآمد آبیاری، مصرف سوخت‌های فسیلی به

صورت مداوم، سیاست استفاده از زمین‌هایی که از جنگل‌ها و تالاب‌ها به زمین‌های وسیع کشاورزی تبدیل شده‌اند. این اعمال غیر قابل تحمل هستند و منجر به اثرات منفی بسیاری بر محیط زیست می‌شوند از جمله: (UNEP, 2013,p5)

- از دست دادن تنوع زیستی به شکل مداوم و تخریب خدمات اکوسیستم
- تخلیه دائمی و فرسایش خاک از مواد مغذی غنی
- افزایش کمبود آب شیرین - کشاورزی با استفاده از حدود ۷۰ درصد از آب شیرین در سراسر جهان صورت می‌گیرد.
- افزایش تنش‌ها بر سر حقوق سنتی زمین
- تشدید آلودگی آب ناشی از مدیریت ضعیف مواد مغذی و املاح»

«علاوه بر این، کشاورزی در مورد ۱۳ تا ۱۵ درصد از انتشار گازهای گلخانه‌ای سهم دارد. و اتخاذ و به کارگیری یک رویکرد جامع تر و سیستم‌های مدیریت تولید مواد غذایی به کاهش ۲۹-۱۹ درصد از انتشار گازهای گلخانه‌ای که از طریق فعالیتهای انسانی در سطح جهان منتشر می‌شود، کمک می‌کند که این اقدام شامل گازهای گلخانه‌ای ناشی از فعالیتهای پیش از تولید، فعالیتهای تولید محصولات کشاورزی و فعالیتهای پس از تولید می‌شود.» (UNEP, 2013,p 50)

«در طول دوره بین سالهای ۲۰۰۰ و ۲۰۱۲، بخش کشاورزی تحت تغییرات قابل توجهی در شرایط استفاده از تخصیص و تولید قرار گرفت و در الگوی تجاری نیز تغییرات مهمی پیدا کرده و قیمتهای بین‌المللی بسیار متغیری را نیز تجربه کرده است. چنانچه «سازمان کشاورزی و مواد غذایی سازمان ملل متحد» اظهار داشته است، خاورمیانه، شمال آفریقا و هم‌چنین آسیا موقعیت خود را به عنوان وارد کنندگان اصلی مواد غذایی تثبیت کرده‌اند. شرق اروپا و آسیای مرکزی به تدریج به صادر کنندگان اصلی تبدیل شدند در حالیکه آمریکای لاتین، بالاترین نرخ رشد صادرات را در دوره مورد بررسی تجربه کرده است.» (Ibid,p51)

«حتی اگر تجارت بین‌المللی در دوره مورد بررسی رشد کرده باشد، نرخ رشد آن به طور قابل توجهی کمتر از آنهایی است که در بخش تولید ثبت شده است. بنابر این سهم تجارت کشاورزی نسبت به کل تجارت کالاها کاهش یافته است. امروزه تجارت محصولات کشاورزی برای حدود ۱۰ درصد از کل تجارت کالاها به حساب می‌آید. در مقایسه با ۴۰ سال پیش که ۳۰ درصد بوده کاهش یافته است. با این وجود، تجارت محصولات کشاورزی به ویژه برای کشورهای در حال توسعه قابل توجه باقی می‌ماند و در واقع ارتباط میان تولید محصولات کشاورزی، توسعه روستایی و کاهش فقر را به تصویر می‌کشد.

هیچ تعریف رسمی تاکنون برای کشاورزی پایدار وجود ندارد. با این حال، این اصطلاح در سال ۲۰۰۲ توسط سازمان کشاورزی و غذایی سازمان ملل متحد این چنین تعریف شده است: «کشاورزی پایدار شامل مدیریت موفق منابع کشاورزی برای پاسخگویی به نیازهای انسان می‌باشد، در حالیکه کیفیت محیط زیست را حفظ می‌کند و یا بهبود می‌بخشد و از منابع طبیعی برای نسل‌های آینده حفاظت می‌کند» (UNEP, 2011, P50)

«سبز شدن کشاورزی همانطور که در گزارش یونپ آمده است، به افزایش استفاده از شیوه‌های کشاورزی و فناوریهای اشاره دارد که به طور همزمان:

- بهره‌وری مزارع را حفظ می‌کند و میزان سودآوری را افزایش می‌دهد و در همین حین ارائه غذا و خدمات اکو سیستم را براساس یک پایه و اساس پایداری تضمین می‌کند.
- اثرات جانبی منفی مانند فرسایش خاک، آلودگی ناشی از کشت و انتشار گازهای گلخانه‌ای کشاورزی را کاهش می‌دهد.
- منابع زیست محیطی مانند حاصلخیزی خاک، آب و هوا و تنوع زیستی از جمله تنوع ژنتیکی گیاهان و حیوانات را بازسازی می‌کند.
- علاوه بر این، اثر بلندمدت سبز شدن کشاورزی می‌تواند منجر به بیشتر شدن محصولات دامی و انعطاف‌پذیر نسبت به اثرات منفی آب و هوایی شود.
- استفاده از آفت‌کش‌های شیمیایی را کاهش می‌دهد و شیوه‌های مدیریت علف‌های هرز و استفاده از کودها و آفت‌کش‌هایی که سازگار با محیط زیست هستند را ترویج می‌کند.
- فساد و فقدان مواد غذایی را با گسترش استفاده از ذخیره‌سازی پس از برداشت و تهیه کردن امکانات، کاهش برای یک تغییر و انتقال کارآمد، در واقع یکسری طرح‌های عمومی، خصوصی و مدنی برای تولید مواد غذایی و عدالت اجتماعی در سطح مزرعه‌ای و همچنین برای اطمینان حاصل کردن از کیفیت کافی مواد غذایی در طول این دوره نیاز خواهد شد.
- روند سیاست‌های تجاری هم در سطح تقاضای مصرف کنندگان داخلی و هم بین المللی از عوامل مهمی هستند که منجر به تغییر شیوه‌های کشاورزی می‌شود. این مسئله به طور خاص در مورد فعالیتهای کشاورزی گواهی شده هم چون تولیدات تجارت عادلانه و ارگانیک اعمال می‌شود. (UNEP, 2011, P42)

۲-۲-۲- تدابیر والزامات ناشی از اقتصاد سبز برای تولید و تجارت محصولات کشاورزی پایدارتر

- الزامات و اقدامات اقتصاد سبز که می‌تواند منجر به تولید و تجارت محصولات کشاورزی پایدارتر شوند عبارتند از:
- صدور گواهینامه توسط نهادهای خصوصی
 - مقررات فنی، به عنوان نمونه برچسب زدن، اقدامات بهداشتی و بهداشت نباتی
 - حذف تدریجی یارانه‌های مضر
 - سرمایه‌گذاری در فناوریهای سبز.
- در این قسمت نمونه‌هایی از اقدامات اقتصاد سبز که پتانسیل لازم برای ایجاد یا تحکیم فرصتهای تجاری پایدار را دارند، نشان می‌دهیم.

۲-۲-۱- مقررات فنی

- «مقررات برچسب زدن و کیفیت تجاری، بسیاری از مقررات بر روی درجه‌بندی، وزن و برچسب زدن بسته‌ها تمرکز می‌کنند. با توجه به برچسب‌ها، اطلاعات اغلب شامل کشور مبدأ نام محصول و تنوع و کیفیت محصول می‌شود. الزامات مربوط به کیفیت تجاری علاوه بر این شامل درجه‌بندی، تأییدیه انطباق بهداشتی، انواع، رنگ، تاریخ انقضا، آسیب‌های خارجی و شکل خارجی می‌باشد.» (UNEP 2013, P55)

چهارچوب قانونی برای ایمنی مواد غذایی به طور خاص به میزان حداکثر باقی مانده آفت‌کش‌ها و قابلیت ردیابی محصولات اشاره می‌کند. تولیدکنندگان نیاز دارند تا از کیفیت و ایمنی محصول در رابطه با همه خطرات بالقوه (مانند خطرات ناشی از آب آلوده) اطمینان حاصل نمایند. مقررات مربوطه به محدودیت حداکثر فضولات آفت‌کش‌ها و حشره‌کش‌ها، علف‌کش‌ها و قارچ‌کش‌ها اشاره می‌کند. آنها در هر دو سطح ملی و بین‌المللی، تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان را به پیروی و انطباق با مقررات کشور خود و مقررات کشورهای واردکننده ملزم می‌کنند. آنها ممکن است تنها از مواد شیمیایی که برای نوع محصول خاص در نظر گرفته شده استفاده کنند و به دقت دستورالعملی را که در بروشور محصول نشان داده شده است را دنبال کنند. (مرادلی، ۱۳۹۶، ص ۲۲۶)

موانع فنی بخشی از موانع غیرتعرفه‌ای هستند که با استفاده از آنها می‌توان تجارت را محدود کرد. کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت به عنوان بخشی از تعهدات دسترسی به بازار، می‌باید همه موانع غیرتعرفه‌ای را حذف و به تعرفه تبدیل نمایند. اما این قاعده کلی دارای یک استثنا هم هست و آن موانع فنی است. چرایی این امر را می‌بایست در نقش و اهمیت این موانع در تأمین سلامت انسان، دام و نبات جستجو کرد. این اهمیت سبب شده تا اجازه کلی استفاده از این موانع مشروط بر آن که به عنوان ابزاری در جهت اعمال تبعیض تجاری بین کشورها و یا ابزار حمایت از تولید داخلی به کار گرفته نشوند. برای تأمین شروط مذکور دو موافقت‌نامه بهداشتی و بهداشت نباتی ۲ و موانع فنی فراراه تجارت ۳ دلار سازمان جهانی تجارت ایجاد شده‌اند. (همان، ص ۲۲۷)

۲-۲-۲- صدور گواهینامه‌ها:

«در سالهای اخیر، رشد قابل توجهی در طرح‌های صدور گواهینامه داوطلبانه برای محصولات کشاورزی به عنوان یک مکانیزم برای تشویق و اجرای تولید پایدار و یافتن موانع وجود داشته است. طرح‌های صدور گواهینامه برای محصولات کشاورزی یک تضمینی را ارائه می‌دهد که ویژگی‌های خاص یا ویژگی‌های محصول یا روش تولید و یا سیستم تولید در مشخصات محصول بیان شده است. و آنها همه یا بخشی از زنجیره‌ی تأمین مواد غذایی را تحت پوشش قرار می‌دهند.» (UNEP, ۲۰۱۳, P56)

«طرح‌های صدور گواهینامه می‌تواند در سطح «تجارت به تجارت» (B2B) اعمال شود. جایی که سوپرمارکت‌ها یا فرایند تجارت، دریافت‌کننده نهایی اطلاعات در نظر گرفته می‌شود یا در سطح «تجارت به مصرف‌کننده» (B2C)، جایی که آنها در نظر گرفته می‌شوند برای اینکه به مصرف‌کنندگان نشان دهند که محصولات آنها که در حال خریدنشان هستند بر طبق بالاترین استانداردهای اخلاقی و زیست محیطی تولید شده‌اند. شرکتها هم چنین می‌توانند از لوگوها برای نشان دادن گواهینامه‌ها استفاده کنند.» (مرادلی، ۱۳۹۴، ص ۱۰۰)

«برچسب‌های محیط زیستی داوطلبانه و گواهینامه‌های مدیریتی محیط زیستی یک راه حل بعضی چالش‌های مربوط به فرایندها و روش‌های تولیدی شمرده شده‌اند، به این معنا که مصرف‌کنندگان بتوانند خود با توجه به برچسب‌گذاری کالاها و گواهینامه‌های محیط زیستی برای خرید تصمیم بگیرند، به جای اینکه دولتها به موجب قانون دیکته نمایند که چه

- Sanitary and Phyto Sanitary Agreement (SPS) ۱۲
- Technical Barriers to Trade Agreement (TBT) ۱۳
- Business to Business (B2B) ۱۴
- Business to Consumer (B2C) ۱۵

فرایند و روش‌های تولیدی قابل توجه می‌باشد. برخلاف قوانین و مقررات دولتی اینگونه برچسب‌ها و گواهینامه‌های محیط زیستی داوطلبانه هستند و اطلاعاتی را ارائه می‌دهند که به خریداران کمک می‌کنند کالاهای مورد نظر خود را انتخاب نمایند. برچسب‌های محیط زیستی اطلاعات مربوط به شرکتهای تولیدکننده کالاها را در اختیار مصرف‌کننده قرار می‌دهند.» (حبیبی و سلیم‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۱۱۰)

«گواهی‌نامه‌های مدیریتی محیط زیستی نحوه اداره کردن کلی مسائل محیط زیستی یک شرکت را ارزیابی می‌کنند. برخلاف برچسب‌های محیط زیستی گواهینامه‌های مدیریتی محیط زیستی در مورد آثار محیط زیستی محصولات شرکتهای چیزی نمی‌گویند، بلکه از شرکتهای می‌خواهند در تجارت خود اصول و معیارهای محیط زیست از پیش تعریف شده را رعایت نمایند. اگر چه بعضی شرایط و مقررات این گواهینامه‌ها سخت‌تر از شرایط دیگر آنها می‌باشد، اما انعطاف‌پذیر و قابل تغییر هستند و عموماً کمتر از برچسب‌های محیط زیستی مورد ایراد و اعتراض قرار می‌گیرند.» (مرادلی، پیشین، ص ۱۰۱)

«بین برچسب‌های محیط زیستی و گواهی‌نامه‌های مدیریتی محیط زیستی، یک نوع گواهی‌نامه‌های محیط‌زیستی مربوط به صنایع خاص وجود دارند مثل گواهی‌نامه‌های مربوط به استفاده پایدار از جنگل، ذخایر آبیان، کشاورزی طبیعی و گردشگری. برای مثال «شورای نهبانی از جنگل‌ها» یک استاندارد به طور گسترده پذیرفته شده را برای استفاده پایدار از محصولات جنگلی مقدر کرده و چند خریدار بزرگ را ترغیب کرده که فقط کالاهای دارای این گواهینامه را خریداری نمایند. مطابق شرایط این گواهی‌نامه‌ها اگر بازرس مستقل تأیید کند که شرکت اصل و معیارهای مندرج در آنها را رعایت نموده گواهینامه مزبور برای آن شرکت صادر می‌شود.» (همان، ص ۱۰۱ و ۱۰۲)

«هر چه مصرف‌کنندگان از موضوعات محیط زیستی بیشتر آگاه می‌شوند و هر چه فشار بیشتری بر دولتها و شرکتهای برای اتخاذ سیاستهای سرمایه‌گذاری و تولید و خرید پایدار وارد می‌شود، تقاضاهای کالاها و رفتار تجارتي سبز بیشتر می‌گردد. برچسب‌های محیط زیستی و گواهینامه‌های مدیریتی محیط زیستی با ارائه اطلاعات لازم بر مصرف‌کنندگان به انتخاب و خرید صحیح کالا از نظر محیط زیستی کمک می‌کند. در مقایسه با استانداردهای الزامی، از برچسب‌های محیط زیستی داوطلبانه غالباً به عنوان ابزاری که برای تأمین اهداف محیط زیستی تجارت را کمتر محدود می‌کند نام برده می‌شود. با وجود چالش‌های بسیار، صدور گواهینامه یک فرصتی را برای صادرکنندگان فراهم می‌کند تا محصولات خودشان را از رقیبانشان تمیز دهند.» (همان، صص ۱۱۴ و ۱۱۳)

۲-۲-۳- مقررات حاکم بر محصولات ارگانیک:

«یک محصول کشاورزی که از این پس در بازار به عنوان یک محصول ارگانیک صادر و فروخته می‌شود، می‌بایست توسط یک شخص ثالثی گواهی شود به این عنوان که از استانداردهای مربوط به محصول ارگانیک که توسط مقررات دولت وارد کننده در رابطه با محصول ارگانیک مشخص شده است برخوردار می‌باشد. این مرجع گواهی کننده به نوبه خود باید از طریق یک رکن یا مقام تنظیم استاندارد یا یکی از مقامات دولتی مربوط به کشور وارد کننده تأیید شده باشد. در سال ۲۰۱۱، تعداد مؤسسات صدور گواهینامه در سراسر جهان ۵۷۶ تا بود و برای اولین بار مؤسسات صدور گواهینامه‌ی آسیا بیش از اروپا بود.

علاوه بر این، تمام مراحل اداری و واردات در مقررات ارگانیک باید دنبال شود. براساس یک نظرسنجی در مورد قوانین و مقررات ارگانیک توسط مؤسسات تحقیقات کشاورزی ارگانیک، ۸۶ کشور در حال حاضر استانداردهای ارگانیک

را دارا هستند هم‌چنین ۲۶ کشور هم هستند که در روند پیش‌نویس قوانین به سر می‌برند. اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا حدود ۹۵ درصد از فروش ارگانیک جهانی را نشان می‌دهند.» (Willer et al, 2013, p 26, 28)

۴-۲-۲- اصلاح یارانه‌ها در بخش کشاورزی:

- «یارانه یکی از بارزترین موضوعاتی است که سازمان‌های تجاری و محیط زیستی در آن منافع مشترک دارند، هر دو با یارانه خود سرانه مخالف هستند، یعنی یارانه‌هایی که برای محیط زیست و اقتصاد مضر می‌باشند. هر دو سیستم تجارت و محیط زیست می‌توانند با یکدیگر در مورد یارانه‌هایی که به تجارت خدشه وارد ننماید و به نفع محیط زیست نیز باشد، همکاری نمایند.» (حبیبی و سلیم‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۱۴۰)
 - در بررسی ارتباط بین تجارت و محیط زیست یارانه تعدادی از بخش‌های اقتصادی از جمله کشاورزی، جنگل‌داری، انرژی، حمل و نقل و ماهیگیری مورد توجه می‌باشند. طرفداران محیط زیست و مدافعان تجارت آزاد یارانه خود سرانه را دوست ندارند زیرا قیمت‌ها را غیرواقعی می‌نماید. از نقطه نظر محیط زیستی، یارانه خود سرانه به طور مصنوعی هزینه‌های تولیدات تجاری ناپایدار از نظر محیط زیستی را کاهش می‌دهد. (همان) برای مثال یارانه‌های ماهیگیری هزینه‌های صید ماهی را کاهش داده و موجب صید بیش از حد ذخایر آبزیان می‌شود. در سایر بخش‌ها نیز وضعیت چنین است. کشاورزی، تولید انرژی و حمل و نقل به محیط زیست بی‌رحم می‌باشند و اکثر خسارات محیط زیستی که به وجود می‌آورند در قیمت بازاری کالاهای تولید شده منعکس نمی‌گردد.
 - «کشاورزی یکی از بخشهایی است که در تجارت بین‌المللی از طریق سطوح بالایی از تعرفه‌های وارداتی، حمایت‌های داخلی و یارانه‌های صادرات مورد تحریف واقع می‌شوند. در بسیاری از کشورهای توسعه یافته محصولات کشاورزی بسیاری وجود دارند که به طور خاصی به آنها یارانه تعلق می‌گیرد اما با توجه به عدم شفافیت و پاسخگویی، اطلاعات دقیقی در مورد یارانه‌های جهانی برای محصولات کشاورزی در دسترس نمی‌باشد در واقع یارانه‌ها برای بخش کشاورزی در کشورهای توسعه یافته، یک کاهش قیمت جهانی را در مورد محصولات کشاورزی به صورت غیرطبیعی به همراه دارد و منجر به تولید بیش از حد و در نتیجه عقب‌ماندگی توسعه کشاورزی در کشورهای در حال توسعه می‌شود. (مرادلی، ۱۳۹۴، ص ۱۱۰)
- یارانه‌هایی که به طور مستقیم و از طریق افزایش قیمت مواد تولید شده و یا کاهش هزینه مواد اولیه به تولید بیشتر تشویق می‌کنند مضر و زیان‌آور تلقی می‌شوند. (به دلیل اثرات مخرب تجاری و تولیدی که با خود به همراه دارند). برای اینکه ما به یک فضای مناسب و مساعد برای سبز شدن کشاورزی دست یابیم نیاز به اصلاح یارانه‌های کشاورزی داریم. چرا که این مسئله به کشورهای در حال توسعه این اجازه را می‌دهد تا از برخی محصولات غذایی داخلی خودشان در برابر رقابتهای بین‌المللی حمایت کند، در شرایطی که آن محصولات برای امنیت غذایی و دام روستاییان مهم تلقی می‌شوند.
- یارانه صادراتی ابزاری است که با کاهش قیمت محموله صادراتی مقدار تقاضا برای آن را افزایش می‌دهد. از این ابزار برای عرصه محصول مازادی که عمدتاً خود با حمایت‌های داخلی و مرزی شدید تولید شده استفاده می‌شود. یارانه صادراتی یکی از مختل‌کننده‌ترین انواع مداخلات دولتها در تجارت بین‌الملل است که در تجارت محصولات کشاورزی بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرد.

بخش بسیار مهمی از مذاکرات سازمان جهانی تجارت که به دور دوحه موسوم است به بخش کشاورزی اختصاص دارد. با توجه به این که هنوز هم ایالات متحده امریکا و اتحادیه اروپا طرف‌های اصلی مذاکرات کشاورزی محسوب می‌شوند، برخی از جهت‌گیری‌های جدید مدیون حضور قدرتمندانه برخی از کشورهای در حال توسعه در مذاکرات دور دوم است. در پاراگراف ۱۳ بیانیه اجلاس وزراء در دوحه «ایجاد یک نظام تجاری منصفانه و بازار مدار در تجارت محصولات کشاورزی از طریق پیگیری برنامه اصلاحات اساسی مورد تأکید قرار گرفته و اعضا خود را به ایجاد بهبود اساسی در دسترسی به بازار، کاهش انواع یارانه‌های صادراتی و کاهش اساسی در حمایت‌های داخلی برانگیزاننده اختلافات تجاری متعهد نموده‌اند. اما در همین بند اولاً با عنایت احتیاجات توسعه‌ای کشورهای در حال توسعه از جمله امنیت غذایی و توسعه روستایی، رفتار ویژه متفاوت برای کشورهای در حال توسعه جزء لاینفک تمام مؤلفه‌های مورد مذاکره تلقی شده و ثانیاً توجه به نگرانی‌های غیر تجاری کشورها مورد تصریح قرار گرفته است. مهم‌ترین جهت‌گیری جدید را در مذاکرات دور دوحه می‌توان در فاصله گرفتن از الگوی کشاورزی جهانی و حرکت به سمت الگوهای کشاورزی وابسته و چند کارکردی دانست. چرا که با وجود تأکید بر ایجاد یک نظام تجاری منصفانه و بازار مدار در تجارت محصولات کشاورزی از طریق همان روش‌های مورد تأکید در دور اروگوئه در سطر بعدی بر موضوع کشورهای در حال توسعه از دو منظر امنیت غذایی که ریشه در الگوی کشاورزی وابسته دارد و توسعه روستایی که نشأت گرفته از الگوی کشاورزی چند کارکردی است، توجه شده و در عین حال توجه به نگرانی‌های غیر تجاری که مؤلفه‌ای دیگر از کشاورزی چند کارکردی است، تأکید شده است.» (همان، صص ۸۲ و ۸۳)

«قرارداد دور اروگوئه در مورد کشاورزی» سقفها و کاهش‌هایی را در مورد استفاده از یارانه‌های صادراتی کشاورزی، تعرفه‌ها و برنامه‌های حمایتی مقرر نموده است. در واقع امضاء «قرارداد مربوط به کشاورزی» در سال ۱۹۹۴ کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی موافقت کردند اجرای قرارداد را پنج سال بعد از لازم‌الاجرا شدن آن (یعنی در سال ۲۰۰۰) مورد تجدیدنظر و بررسی مجدد قرار دهند.

«بنابراین کشاورزی موضوع مرکزی مذاکرات دوحه بوده و کماکان یک موضوع بحث برانگیز می‌باشد. عدم حصول توافق در مورد کشاورزی دلیل اصلی نتیجه‌گیری ناقص پنجمین کنفرانس وزرای سازمان تجارت جهانی در «کنکان» در پستامبر ۲۰۰۳ بود. این عدم موفقیت در واقع مهلت ژانویه ۲۰۰۵ مقرر برای اتمام و نتیجه‌گیری از مذاکرات کلی دوحه را بی‌تأثیر نمود.» (حبیبی و سلیم زاده، ۱۳۸۷، ص ۱۴۷) این موافقت‌نامه که با هدف کمک به ایجاد ساختار تجاری شفاف و عادلانه به امضاء رسیده است، موافقت‌نامه‌ای است مشتمل بر ۱۳ قسمت که خود در برگیرنده ۲۱ ماده می‌باشد. علاوه بر این ۵ ضمیمه و یک پیوست نیز برای این موافقت‌نامه تهیه شده که جزء لاینفک آن محسوب می‌شوند.

حمایت از کشاورزی در سازمان تجارت جهانی به سه نوع طبقه‌بندی شده است: (حبیبی، سلیم زاده، همان، ص ۱۴۹)

- جعبه کهرابایی: حمایت‌های جعبه کهرابایی مختل کننده تجارت می‌باشند، مانند حمایت‌های صادراتی و تولیدی، و کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی متعهد هستند آنها را کاهش دهند.

- جعبه آبی: حمایت‌های جعبه آبی به سطح تولید مربوط می‌باشند، اما هدف آنها کاهش تولید است و بنابراین کمتر از حمایت‌های جعبه کهربایی در تجارت اختلال ایجاد می‌کند. اگرچه کشورها در پرداخت این نوع یارانه‌ها محدود شده‌اند، اما این محدودیتها سخت گیرانه نیز نمی‌باشند.
- جعبه سبز: حمایت‌های جعبه سبز در تجارت اختلال ایجاد نمی‌کند و یا حداقل خدشه را به آن وارد می‌آورند. این نوع حمایت ارتباطی با سطح تولید ندارند. ضمیمه (۲) «قرارداد مربوط به کشاورزی» تعدادی از انواع حمایت‌های جعبه سبز شامل تحقیق و توسعه، حمایت بازاریابی کمک‌های مالی غذایی و برنامه‌های حفاظتی محیط زیست را تعریف نموده است. در مورد اعمال حمایت‌های جعبه سبز هیچ محدودیتی وجود ندارد.

«به طور کلی، اگر شما به دنبال تشویق جهانی سازی سبز هستید، بهترین نقطه برای آغاز، لغو یارانه‌های دولتی برای تشویق کشاورزی، ماهیگیری و استفاده فزاینده بیش از حد است. سموم ضد آفات و کودهای شیمیایی مورد استفاده کشاورزان محیط زیست را مسموم می‌کند، رودخانه‌ها و دریاچه‌های اروپا شاهد آن هستند. یک دولت خردمند روی سموم ضد آفات مالیات خواهد بست تا آنها کمتر مصرف شوند - تنها زمانی که مزایای محصولات غذایی به زبان محیط زیست بچربد. لغو صدقه‌ها و عوارض واردات، هم چنین بستن مالیات روی سموم ضد آفات و استفاده از کود نه تنها تجارت را تقویت می‌کند، به مردم گزینه گسترده تری برای غذای ارزان تر می‌دهد - بلکه هم چنین به محیط زیست نیز کمک می‌کند. این یک سناریوی بسیار موفق است.» (لگرین، ۱۳۸۲، ص ۳۴۷)

نتیجه گیری:

مفهوم اقتصاد سبز که برای نخستین بار در سند نهایی کنفرانس ریو+۲۰ به طور رسمی مورد تصویب جامعه بین المللی قرار گرفت، به عنوان بخشی از استراتژی جامع توسعه پایدار، جنبه های اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی را با هم تطابق می دهد و در پی حمایت از حقوق زیست محیطی بشر میباشد. بخش کشاورزی بعنوان یکی از بخشهای کلیدی و مهم در حرکت و تغییر جوامع به سمت اقتصادی سبز تلقی می شود. در حقیقت کشاورزی بدلیل نقش مهمی که در توسعه و رشد اقتصادی دارد واجد اهمیت فوق العاده ای است و تجارت بین المللی می تواند انتقال به سمت اقتصاد سبز را با کمک به ایجاد و تقویت بازارهای جهانی برای کشاورزی پایدار و بهبود امنیت غذایی تسهیل بخشد.

ما برای حرکت و انتقال از بحران های جهانی موجود به سمت اقتصادی نوین نیازمند آماده سازی شرایط هستیم از جمله: مقررات ملی، سیاستها، یارانه ها و محرکهای اقتصادی، بازارهای بین المللی و زیرساختهای حقوقی و تجاری.

تجارت بین المللی یک موتور محرک برای رشد و توسعه اقتصادی پایدار می باشد و در سرعت بخشیدن به انتشار و جذب کالاها و خدمات زیست محیطی نقش بسیار حیاتی دارد، به عبارتی آزاد سازی تجارت در خدمات زیست محیطی اگر به خوبی مدیریت شود، میتواند از طریق ایجاد فرصتهایی از جمله افزایش بازار و بهبود سلامت و پایداری زیست محیطی، منافع قابل توجهی را برای بخش خصوصی و عموم مردم به همراه داشته باشد.

به طور کلی اگر سعی شود گسترش و تسهیل فعالیتهای تجاری در دستیابی به یک تجارت پایدار باشد می تواند به نوبه خود محرک و عاملی برای دستیابی سریع تر به یک اقتصاد کم کربن و دوستدار محیط زیستی باشد که جهان و محیط زیست جهانی در انتظار تحقق آن است. به عبارتی تلاش برای تحقق اقتصاد سبز به معنای تلاش برای حفاظت و حمایت از محیط زیست تلقی می شود.

منابع فارسی:

- ۱- سلیمزاده، سیامک و حبیبی، محمد، ۱۳۸۷، حقوق تجارت بین الملل و محیط زیست، تهران، انتشارات آثار اندیشه
- ۲- لگرین، فیلیپ، ۱۳۸۲، جهان باز، واقعیت جهانی شدن، ترجمه فریدون دولتشاهی، تهران، نشر اطلاعات
- ۳- مرادلی، مهسا، ۱۳۹۶، اقتصاد سبز و دستیابی به توسعه پایدار در حقوق بین الملل، تهران، نشر آرنا
- ۴- مرادلی، مهسا، ۱۳۹۴، اقتصاد سبز و الزامات حقوق بین المللی ناشی از آن، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد تهران مرکزی

منابع لاتین:

- ۵- ITC, (2014) Trade In Environmental Goods And Services: Opportunities And Challenges. Geneva V, 35p.
- ۶- UNCSO Secretariat and UNCTAD , (2011), Rio + 20 Issues Briefs, March, No. 1
- ۷- Unep (2011), Towards A Green Economy: Pathways To Sustainable Development Unep. Nairab.
- ۸- Unep (2013), Green Economy And Trade, (Trends And Challenges And Appportunity)
- ۹- Unep (2014). Building Capital : How Redd + Can Support A Green Economy. Report Of The International Resource Parel, United Nations Environment Programme Nairabi Kenya
- ۱۰- Unep (2014). Trade And Green Economy: A Hand Book International Institute For Suustainable Development And United Nations Programme, International Institute To Sustainable Development Geneva.
- ۱۱- Willer, H.,and Lernoud J., and Home,R.(2013).The World od Organic Agriculture – statistic and emerging Trends 2012.Research Institute of Organic Agriculture and International fredration of Organic Agriculture movement.

Web Sites:

- ۱۲- [http://www.unep.org/green.economy/portals/30doc/during green economy](http://www.unep.org/green.economy/portals/30doc/during%20green%20economy)
- ۱۳- <http://www.organic.organicworld.net/fileadmin/documents/yearbook/2013/w eb-fible-ifoam-2013-25-34.pdf>

۱۴- http://www.un.org/document/go/conf151/a_conf15126-1_annex.htm-2005-03-02

